



تأثیر روابط خانوادگی در وضعیت تحصیلی فرزند

فرشته فرضعلی زاده

روان‌شناس بالینی و درمانگر کودک

در جامعه معاصر، اهمال کاری رفتاری رایج به نظر می‌رسد. در واقع، اهمال کاری به معنای به تعویق انداختن یا متوقف کردن انجام کار توسط فرد است؛ پدیده‌ای که ممکن است در جریان زندگی روزمره بسیار اتفاق بیفتد.

برخی وظایف در دوره کودکی و نوجوانی به حوزه تحصیلی کودکان و نوجوانان اختصاص می‌یابند. این وظایف شامل آمادگی برای امتحان، انجام به موقع تکالیف محوله، رعایت انضباط و حضور به موقع و منظم در مدرسه و کلاس‌های درس می‌شود. در این میان، دانش‌آموزانی مشاهده می‌شوند که در انجام وظایف تحصیلی خود اهمال می‌کنند. این نوع از اهمال به‌طور مکرر در دانش‌آموزان و دانشجویان اتفاق می‌افتد و آسیب‌های زیادی برای پیشرفت و موفقیت تحصیلی افراد به وجود می‌آورد. در واقع، اهمال کاری تحصیلی نوعی تمایل غیرمنطقی برای به تعویق انداختن در شروع یا به پایان رساندن یک تکلیف درسی است؛ به طوری که فرد محصل تکلیف درسی خود را تا آخرین لحظه به تعویق می‌اندازد یا در خاتمه یک تکلیف تعلل می‌کند.

عوامل متعددی از جمله فردی، محیطی و خانوادگی در زندگی دانش‌آموزان، در جهت سوق دادن آن‌ها به سمت اهمال کاری نقش دارند. فضای خانواده یکی از عوامل مؤثر در جریان اهمال کاری تحصیلی و تداوم آن در دانش‌آموزان محسوب می‌شود. بدون شک خانواده در اکتساب عادات‌های نامناسب در فرزندان نقشی مهم دارد. اهمال کاران کسانی هستند که خودشان را بیش از حد تحت فشار قرار می‌دهند و این فشار معمولاً پاسخی به تقاضای خانواده است. خانواده‌هایی که روی توانمندی فرزندان‌شان برای موفقیت دچار تردید هستند، چنین تقاضایی را به شکل مستقیم یا غیرمستقیم از فرزندان‌شان دارند. سبک فرزندپروری

والدین یکی از عوامل مؤثری است که با اهمال کاری ارتباط تنگاتنگ دارد. بررسی سبک فرزندپروری یکی از راه‌های شناسایی اهمال کاری در دانش‌آموزان است. برخی والدین حساسیت زیادی به نیازهای فرزندانشان نشان می‌دهند، ولی حمایت عاطفی کمتری از آن‌ها می‌کنند. این والدین معمولاً مجموعه‌ای محدودیت‌ها را با پیش‌فرض نظم و انضباط برای فرزندانشان اعمال می‌کنند که در واقع مانعی برای ارتباط کلامی والد-فرزند به حساب می‌آید و در ادامه آن، نبود حمایت عاطفی از والدین اتفاق می‌افتد. با این تفسیر، واریسی شدید والدین و نظارت بدون توجه به نگرش‌های فرزندان می‌تواند اهمال کاری تحصیلی را در آن‌ها افزایش دهد. اگر نظارت والدین بر پایه حفظ استقلال فردی و مسئولیت‌پذیری در قبال انجام تکالیف صورت گیرد، شرایط مناسبی برای فرزندان فراهم می‌شود تا اشخاص مستقلی باشند و در قبال تکالیف خودشان احساس مسئولیت بیشتری کنند. این نظارت والدین باید به گونه‌ای باشد که فرزندان خودشان با تکالیفشان درگیر شوند و والدین تنها مشوق آن‌ها در این مسیر باشند. گاهی والدینی با مشاهده اهمال فرزند خود در تکالیف درسی، به جبران این کوتاهی فرزندشان تصمیم می‌گیرند و عهده‌دار انجام تکالیف آن‌ها می‌شوند. لازم به ذکر است، این کودکان هیچ‌گاه با پیامد منفی انجام‌ندادن تکالیف روبه‌رو نمی‌شوند. در کنار تمام این مسائل، امنیت ذهنی و روانی در این کودکان به وجود می‌آید که مبنای آن این طرز فکر است که «سرانجام کمک والدین در لحظات آخر به سراغم می‌آید». چرخه سراسر معیوب این حمایت‌های والدینی در نهایت در جهت اهمال کار شدن فرزندان پیش خواهد رفت.

در کنار مواردی که بیان شد، یکی دیگر از علت‌های اهمال کاری در دانش‌آموزان می‌تواند «ترس از شکست» باشد. کودکان برای مواجهه‌نشدن با ناکامی به تأخیر در انجام کارها و وظایف خود اقدام می‌کنند. ترس از شکست می‌تواند علل بیرونی و درونی متعددی داشته باشد که از جمله علل بیرونی که می‌تواند این ترس را در کودکان به وجود آورد، در بستر خانواده و توسط والدین اتفاق می‌افتد. انتقادهای والدین از نحوه عملکرد کودک در انجام کارها یا مقایسه کودک با سایر هم‌کلاسی‌ها، جریانی از ترس را در کودک به وجود می‌آورد که قدرت حرکت و پویایی را از او می‌گیرد. با در نظر گرفتن تمامی موارد بیان شده می‌توان چنین نتیجه گرفت، اصلاح سبک فرزندپروری والدین می‌تواند یکی از راه‌های کاهش اهمال کاری تحصیلی در دانش‌آموزان باشد که به دنبال آن دستاوردهای تحصیلی بهتری را از آن‌ها نظاره‌گر خواهیم بود.

